

abwimmeln لغت شب Wort der Nacht

abwimmeln یک فعل جدا شدنی می باشد
شر کسی را از سر خود باز کردن ، رفع مزاحمت کردن ، چیز دست و پاگیری را از خود دور کردن ، کسی را دک کردن

Jemandem sagen, dass er weggehen soll
به کسی بگوییم ، که او می بایستی برود یا دور شود

.Eine Person, die als lästig empfunden wird, wegschicken
یک شخص ، که او به عنوان مزاحم احساس شود را به خارج یا بیرون فرستادن

wimmelten ab : گذشته ساده

haben abgewimmelt : گذشته کامل

Eine Arbeit abwimmeln

یک کاری را از سر خود باز کردن

به زبان ساده تر یک کاری را پیچوندن ?

Einen Auftrag abwimmeln

یک ماموریت را از سر خود باز کردن

به زبان ساده تر یک ماموریت را پیچوندن ?

Jemanden abwimmeln

کسی را پیچوندن ، از شر کسی راحت شدن ، کسی را دک کردن

Wie kann man lästige Anrufer abwimmeln?

چگونه آدم می تواند از شر تلفن کننده های مزاحم راحت شود؟

Kannst du bitte diese Foto grafen abwimmeln? Die stehen schon den ganzen Tag vor meiner
!Haustür

می تونی لطفا این عکاس ها را دک کنی؟ آنها تمام روز را در جلوی درب خانه من ایستاده اند!

موفق باشید. ?

? Viel Erfolg